

کرزی در جستجوی متحدین جبهات جدید در افغانستان بعد از انتخابات

بعد از انتخابات پارلمانی در افغانستان رئیس جمهور کرزی شروع کرده تا خود را در برابر سیاستمداران جدید تجهیز کند. او یک استراتژی سه پهلو را در پیش گرفته که با لفاظی از امریکا فاصله بگیرد، به جنگسالاران اتکا کند و کوشش دارد از یک اتحاد با ثبات در پارلمان جدید جلوگیری شود.

نماینده NZZ چاپ زوریخ بتاريخ ۲۲ سپتمبر از دهلی تحت عنوان بالا تحلیل آتی را از وضع جاری سیاسی افغانستان بعمل آورده است که اینک ترجمه مطالب آن تقدیم است.

قبل از اینکه نتایج انتخابات روزیکشنبه، بمحیط راه بیابد، رئیس جمهور افغانستان ابتکار عمل سیاسی را بدست گرفت. او دو روز بعد از رایدهی در انتظار مبارزه با یک پارلمان سرکش و غیرمتجانس اظهار نظر نمود. درین ضمن او کوشان بود خود درو جود یک شخصیت کاملاً مختار طرف توجه قرار گیرد.

چنین یک شخصیتی وقتی عرض اندام کرده میتواند که بیرون از زیر چتر قدرت حمایه امریکا در عمل خود آزاد باشد. او در قالب چنین یک تصور توضیح کرد که مبارزه با ترور در آینده مستلزم جبهتیبایی بیشتر سیاسی بوده و نه نظامی که تاحال از طرف امریکا و قوای ناتو تعقیب شده است. کرزی ختم تلاشی های خودسرانه و بمباردمان های هوایی را تقاضا کرد. او می گفت، نظریه وضع فعلی در افغانستان این چنین استراتژی بکرسی شانده شده نمیتواند. ثقل مبارزه با تروریستها باید منحصر بمناطق قرار داده شود که آنها در آن جا تربیه میشوند.

جنگسالاران نازدانه

رئیس جمهور قبل از انتخابات در یک مصاحبه با بی، بی، سی که تعجب همه را باری آورد گفت، وقت آن رسیده تا از جنگهای رویاروی با جنگجویان طالب صرف نظریه اصل علت که نفوذ دوامدار آنها را امکان پذیر میسازد توجه بعمل آید. او با این بیان به کمپهای تربیه، منابع مالی، خطوط لوژستیک و پایگاههای آنها اشاره میکرد. کرزی از کشوری نام نبرد ولی بدون شک انگشت اشاره بطرف پاکستان نشان می داد. در راه پروفیل یابی شخصیت اشاره دیگر این است که دو هفته قبل از انتخابات کرزی باید با قوماندان های نیروهای نظامی ائتلاف و ناتو مذاکراتی داشته باشد. طبق منابع دیپلوماسی در کابل اینها به کرزی حالی کرده اند که نیروهای شان آماده است تا شورشیان طالب و جنگسالاران را از میدان دور کنند در صورتیکه کرزی زیگنال سیز را روشن نماید. ولی او با این کار موافقت نشان نداد.

این واضح میسازد که استراتژی رئیس جمهور مبنی بر اینکه خود را بحیث یک قدرت سیاسی با فاصله گیری از حمایه امریکا تنها جلوه دهد، دو جنبه دیگر نیز دارد. او نمی خواهد مناسبات با مجاهدین بحرانی گردد، با آنکه اینها علناً تمام قوائد و آرزوهارا برای احیای یک دولت که کرزی از ان پشتیبانی میکند، زیر پا میگذارند. یک مثال برجسته جنگسالار عبدالرسول سیاف است که دست های خون آلود اوسابقه دارد. در شروع دهه ۹۰ او قسمتهای بزرگ غرب کابل را بخاک سیاه مبدل گردانید. آنگاه قدرت طلبان برای تسلط پایتخت میجنگیدند و عوامل قومی و مذهبی نیز عناصری بودند که باعث خونریزیها میگرددید. در مناطق غرب کابل هزاره های شیعه مذهب اکثریت داشتند. سیاف افراطی گراه سنی است که از طرف وهابیه های سعودی پشتیبانی میگردد و تا امروز یک جنگسالار باقی مانده است. در میارزات انتخاباتی در پغمان که در غرب کابل موقعیت دارد ملیشیا های مسلح سیاف که رسماً باید خلع سلاح شده باشند، در بین مردم بگشت و گذار و ارباب میپرداختند. با همه این وقایع کرزی دو

همپیمان سیاف را در پستهای ولایات مقرر نمود و چوکیهای کلیدی قضا را برای اسلامیه‌های سیاف به اختیار گذاشته است.

بنظر کرزی این اقدامات جزء از پیشبینی هاست تا مجاهدین در چوکات دولت منضم (integration) گردند. صبغت الله مجددی یک رهبر قبلی مجاهدین که کمیسیون آشتی ملی را ریاست میکند، بحیث ممد کرزی قرار گرفته است. او تا حال ۳۵۰ طالب میانه رو را عفو نموده و برای چندی از ایشان راه کاندید شدن به پارلمان راهموار کرده است. مجددی بحیث میانجی بین کرزی و جنگسالاران عمده بشمار میرود. اما مخالفین کرزی عقیده دارند که او کمتر انضمام مجاهدین را در نظر دارد بلکه او می‌کوشد در مبارزه آینده با پارلمان متحدینی دور خود داشته باشد. برای این مقصد او آماده است تا با شیطان دوریک طبق بنشیند و افراطیان اسلامی را در موسسات دولت جای دهد بدون اینکه آنها از ایدولوژی افراطی خود صرف نظر و ملیشیا‌های شان خلع سلاح شده باشند.

بازی مخوف

طبق عقیده ناظرین اوضاع در کابل، مشابه با جریان ذکر شده، بازی دیگری خطرناک کرزی درین دیده میشود که او می‌خواهد رول پارلمان را محدود سازد تا صلاحیت های جمهوریت ریاستی را کاملاً در عمل پیاده کرده باشد. کرزی در کنفرانس مطبوعاتی بعد از انتخابات آنرا یک موفقیت عمده خواند. کرزی همچنان روزیکشنبه در محل رای دهی خویش اظهار داشت که او از یک پارلمان در او پوزیسیون استقبال میکند چه این تقویه دیمو کراسی افغانی را شهادت است. اما این حقیقت را نباید فراموش کرد که رئیس جمهور چنان استوار در زین اسپ خود نه نشسته که با یک پارلمان متحد در او پوزیسیون اهداف خود را بر آورده سازد. ازینرو او در لویه جرگه تصویب قانو اساسی می‌کوشید از امکان بوجود آمدن همچو یک پارلمان جلوگیری بعمل آرد. سفیر آنوقت امریکا در کابل خلیل زاد، کرزی را درین راه یاری میرسانید. امریکا یک سیستم ریاستی قدرتمند را نسبت به یک نظام پارلمانی غیر متجانس رجحان می‌بخشید.

عنصر عمده دراه تطبیق این نظر همان بود که با تصویب یک قانون از اهمیت رول اساسی احزاب در پارلمان کاسته میشد. ناظرین ازین بیم دارند که اطاق های پارلمان با اکثریتهای تصادفی به پاشیدگی بیشتری مواجه گردد. این وضع بقصر ریاست جمهوری این امکان را فراهم میسازد تا یک دیگر را در برابر هم استعمال و با اقدامات قابل کنترل بهره برداری نماید. درین جریان فراموش نشود که علایق کهنه قومی دوباره تحکیم مییابند. دسته بندی های لسانی بوجود خواهد آمد و کرزی با اتکا به پشتون ها که اکثریت را میسازند، باعث آن خواهد گردید که اقوام دیگر خود را در حاشیه قرار داده شده تصور کنند. یک دیپلومات اروپائی در کابل قبل از انتخابات اظهار داشت که کرزی بازی خطرناک را در پیش گرفته است. آرزوی وی در یک پارچه گی و تقویه قدرت دولت قابل درک است ولی این نباید به قیمت ثبات امنیت و دامن زدن رقابتهای قومی تمام شود.

پایان